

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

سیاسی	Political
-------	-----------

سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان

۷ حوت ۱۳۸۷؛ ۲۵ فیروزی ۲۰۰۹

به مناسبت ۸ مارچ روز جهانی زن

امسال همچون سالهای پار در حالی به پیشواز روز جهانی زن، روز مبارزه دادخواهانه بشریت آزادیخواه علیه تبعیض و نابرابری جنسی، می رویم که در حاکمیت اسلامی- قومی حاکم بر مقدرات مردم افغانستان زن همچنان نیمه پنهان، تحقیر شده، برده جنسی مرد، اسیر در چنبره باورهای مردسالارانه ناشی از حاکمیت قوانین شرع و سنت های بدوی و محروم از آزادی و حقوق فردی اجتماعی است. در جمهوری اسلامی افغانستان و همانطور در بخش وسیعی از جهان از برکت حاکمیت نظام سرمایه داری و همسویی و همدمی آن با ارتجاعی ترین آراء و افکار، ستم جنسی و بی حقوقی زن در اشکال خشن تری تداوم یافته است.

امسال هشت سال پس از به حاکمیت رسیدن دارو دسته های اسلامی- قومی و حضور گسترده نیروهای امپریالیستی، وضع زنان همچنان رقتبار است. فقر، فحشاء، جنگ و امتزاج سرمایه و مذهب همپا با سیادت بلافصل افکار مردسالار از زنان افغانستان قربانی می گیرد. زنان در افغانستان و اکثریت قریب به اتفاق از مردم در این کشور در فقر و تنگدستی کامل به سر می برند؛ فقدان امنیت، بیکاری گسترده ملیونی، عدم دسترسی به ابتدائی ترین امکان درمانی و تحصیل و جدال خونین کمپ ارتجاع امپریالیستی قبل از همه از زنان و کودکان قربانی می گیرد. تهدیدستی و جنگ از یک جانب و سلطه باورهای مردسالار از جانب دیگر آسیب های التیام ناپذیری را به نصف از شهروندان جامعه وارد آورده است که حاصل آن تن فروشی، خودسوزی، خودکشی، گدائی، قتل های ناموسی و ازدیاد خشونت در حریم خانواده ها و خرید و فروش زنان و دخترها به عنوان متاع و مایملک مردان است.

با وجود امکانات عظیم مالی سرازیر شده در افغانستان، به جز ایجاد اداره تزئینی وزارت امور زنان و شرکت چند چهره زن طرفدار حاکمیت پوشالی در پارلمان و ادارات دولتی که بخشاً مربوط به جریان های اسلامی- قومی هستند، کاری در زمینه تامین حقوق و حرمت اجتماعی زنان صورت نگرفته است. بلکه این دولت و حامیان امپریالیست آن با میدان دادن به جریان های اسلامیت درون حاکمیت در وجود "جبهه متحد" به رهبری ربانی و مهره هانی چون سیاف، مجددی، محقق، محسنی و ... از یکجانب و تلاش در جهت سازش و جلب حزب اسلامی و طالبان از جانب دیگر به سلطه افکار زن ستیز مبتنی بر شرع اسلامی مهر تانید زده است؛ تحولات اخیر در پاکستان و جاری شدن قوانین شرع اسلامی در بخشی از این کشور و قبول ضمنی آن از جانب دست اندرکاران قدرت سیاسی در ایالات متحده امریکا و غرب خود چراغ سبزی دیگری است به ارتجاع اسلامی در شکل دادن به نوعی دیگری از "امارت اسلامی" و انفاذ قوانین شرع. این همسویی کمپ ارتجاع امپریالیستی و تحکیم سلطه آنها به سرنوشت جامعه، بدون شک قبل از همه از زنان قربانی خواهد گرفت و سیادت افکار مردسالارانه را نهادینه تر از پیش خواهد ساخت.

اما با دروغ و درد، با وجود ستم و اپارتاید روا داشته شده به زنان افغانستان، جنبش برابری طلبی و آزادیخواهانه زنان برای برابری و رفع ستم جنسی هنوز مسیری درازی در پیش دارد تا به عنوان یک جنبش اجتماعی نیرومند و یک حرکت فراگیر در جهت تامین برابری، رفع ستم جنسی، رفاه و آزادی از عبودیت نظام مبتنی بر ستم وارد پیکار و جدال اجتماعی شود؛ جریان هانی هم که در این زمینه فعال اند از آن میان فمینیسم اسلامی و "لیبرال" فمینیسم،

ربطی به امر جنبش رهانی زن از ستم جنسی و تحقق آرمان های برابری طلبانه آن ندارند، این نیروها با استفاده از مسأله و معضل ستم جنسی بیشتر مشغول جلب امکانات برای پیشبرد امری دیگری هستند. اغلب این نیروها خود با افکار و آرائی که اپارتاید و ستم جنسی مشروعیت اش را از آنها کسب می کند نتنها مرزبندی و مشکلی ندارند، بلکه خود مجری، عامل و حامل آن در عرصه های سیاسی و اجتماعی هستند و از آن باورها به عنوان ارزش، سنن و فرهنگ خودی به دفاع بر خواسته و می خیزند. این نیروها، چنانچه تا اکنون و به لحاظ تاریخی شاهد مجاهدات و فعالیت های شان بوده ایم، نمی توانند جنبش و بدیلی برای رفع تبعیض و ستم جنسی باشند. بدون تردید گرایش ها و نیروهای اجتماعی فعال در این عرصه بسته به ماهیت طبقاتی و سیاسی شان راه حل های متفاوت و متضادی را در برابر سیر تحول آن به عنوان یک جنبش می گذارند.

بنابراین رهانی زن از ستم روا داشته شده تاریخی به او و در کل جنبش آزادیخواهی در افغانستان زمانی می تواند به معضل ستم و اپارتاید جنسی پاسخ گفته باشد که خود در عمل با سنت و فرهنگ و تبیین غالب، مرزها را روشن تعریف کرده و زنان را حول مطالبات روشن، سازمان داده باشد. پیشرفت جنبش زنان در این جدال اجتماعی و سیاسی نه تنها در گرو جدال نظری با افکار و آراء کهنه، ارتجاعی و عصرحجری است بلکه شکل دادن به یک جنبش سوسیالیستی با افق روشن و نقد رادیکال نظام موجود می باشد.

سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان برای شکل یافتن و سازمانیابی چنین جنبشی و برای رهانی زنان از ستم جنسی تلاش و پیکار می نماید و از همه زنان و مردان آزادیخواه می طلبد تا برای تحقق این امر شریف و انسانی به آن بپیوندند.

فرخنده باد هشت مارچ، روز جهانی مبارزه بشریت آزادیخواه برای رفع ستم جنسی!

زنده باد سوسیالیسم!

کمیته مرکزی سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان

۷ حوت ۱۳۸۷؛ ۲۵ فبروری ۲۰۰۹